

موانع رشد ديمقراسى و تفاهم مى در ايران

گفتگو با دگر اندیشان در نشست لس آنجلس

۲۹ فوریه ۲۰۰۴

حسن ماسالى
هماهنگ کننده تشکيلات برونمرزى جبهه ديمقراتىک ايران

Representative of Iran democratic Front Abroad
Hassan Massali Ph. D. Tel. (1)-301-792 3370
www.iranomid.org E-mail: HMmassali@aol.com
P.O. Box 60735 Potomac, MD 20859, USA

موانع رشد دموکراسی و تفاهم ملی در ایران

گفتگو با دگر اندیشان در نشست لس آنجلس در ۲۹ فوریه ۲۰۰۴

حسن ماسالی

دوستان و هم‌زمان گرامی،
از اینکه در این جمع کوشنده و دلسوز ایران حضور به هم می‌رسانم مفتخرم. و از فرصت پیش آمده برای مطرح کردن نظراتم پیرامون «موانع رشد دموکراسی و تفاهم در ایران» بسیار سپاسگزارم.

عقیده دارم با پیدایش بورژوازی در جهان و مبارزه این نیروی اجتماعی بر علیه مناسبات ماقبل سرمایه داری، مقوله «دموکراسی خواهی» معنا و مفهوم فلسفی، سیاسی و طبقاتی خود را کسب کرد. و باشکل‌گیری طبقه کارگر، مفهوم «دموکراسی خواهی» و مناسبات دموکراتیک با جهان بینی ویژه طبقاتی مورد ارزیابی قرار گرفت. بنابراین، افشار و طبقات مختلف اجتماعی از «دموکراسی» ادراک متفاوتی دارند.

آنچه که در این نشست مورد توجه است پرداختن به مقوله «دموکراسی خواهی» از دیدگاه یگ طبقه خاص اجتماعی و یا از زاویه ایدئولوژیکی حزب طبقاتی نیست. چون هنوز مبانی اولیه دموکراسی خواهی در جامعه مالاینحل باقی مانده اند. ما می‌خواهیم بدانیم که پس از جهانی شدن سرمایه داری و عالمگیر شدن خواسته‌های «دموکراسی خواهی»، موانع رشد دموکراسی - بمفهوم عام آن در یک جامعه مدرن - برای تعیین یک نظام سیاسی و برقرار کردن مناسبات اجتماعی مدرن و مطلوب در ایران کدامند؟

عقیده دارم بدون شناخت واقع بینانه از کمبودها و موانع تاریخی - اجتماعی روند دموکراسی خواهی در ایران، راهکارهای مبارزاتی ما برای دست‌یابی به دموکراسی به نتایج مطلوبی نخواهد رسید.

موانع و کمبودهایی که در راه استقرار دموکراسی در ایران وجود دارند را میتوان بطور عمده بشرح زیر رده بندی کرد:

۱- نقش شیوه تولید و مناسبات تولیدی (موانع تاریخی)

برخی از پژوهشگران خارجی و ایرانی عقیده دارند که شیوه تولید آسیائی، گسیختگی مناسبات تولیدی، برجسته شدن و نقش «فوق طبقاتی» دولت در ایران که منابع تولیدی، ثروت و خدمات در جامعه را بطور عمده در اختیار خود قرار می‌داده است (و هنوز این روند ادامه دارد) از نظر تاریخ تحولات اجتماعی موانع بزرگی در راه رشد طبقات اجتماعی، شکل‌گیری احزاب و شکوفائی فرهنگ سیاسی جامعه ایران بوجود آورده اند. همین عوامل موجب شدند که بورژوازی نوپا و ناتوان ایران که در انقلاب مشروطیت پا بمیدان مبارزه گذاشته بودتا با نیروهای ماقبل سرمایه داری به مقابله برخیزد و دموکراسی، تجدد خواهی و سکولاریسم را بمرحله اجرا در آورد،

بعلت فقدان توان اجتماعی - طبقاتی و سیاسی اش، عاقبت مجبور گردید با بخش بزرگی از همان نیرو های ارتجاعی که ذاتا خصلت ارتجاعی داشتند و مخالف اهداف مزبور بودند، ببهانه مقابله با استبداد، متحد شود.

چنین اتحاد شومی از زمان انقلاب مشروطیت تاکنون - بااستثنای موارد استثنائی کوتاه مدت - ادامه داشته است. این سیاست ها نهایتا موجب شکست و ناکامی نیروهای دموکرات، سکولار و تجدد خواه در ایران شده است.

۲- نقش نیروهای استعماری

اهمیت استراژیکی ایران از نظر اقتصادی و سوق الجیشی موجب شد تا قدرتهای مختلف استعماری در صد گسترش نفوذ خود در ایران و در منطقه خاورمیانه برآیند. از اوایل قرن بیستم، نفوذ و رقابت قدرتهای استعماری در ایران افزایش یافت. درچنین شرایطی، نیروهای واپسگرای عشایری و مذهبی و دستگاه فاسد دیوانسالاری - نظامی ایران، متحد طبیعی استعمارگران شدند. و باین ترتیب استعمارگران باتفاق متحدین داخلی خود در ایران، موانع بزرگی در راه رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران ایجاد کردند و بورژوازی بمفهوم مدرن و آزاد اندیش در ایران شکوفا نشد و فرهنگ عام «دمکراسی خواهی» نتوانست ترویج یابد و احزاب مدرن اجتماعی نتوانستند شکل بگیرند و مردم از سازمان یافتگی طبقاتی - سیاسی مطلوب خود محروم شدند.

در کشور ما، احزاب بر اساس روابط خانوادگی و ایلپاتی و یا با صلاحدید قدرتهای خارجی ابراز وجود میکردند. برخی از شخصیتهای سیاسی و روشنفکران دموکرات گاهی با استفاده از تضاد های بین المللی و ویا ضعف حکومت های مرکزی، توده مردم را بسیج میکردند و بمبارزه سیاسی جلب میکردند. اما از آنجائیکه فاقد پایگاه طبقاتی و حزبی مستحکمی بودند، جنبش های مزبور دوام نمی آوردند، و مناسبات دموکراتیک در جامعه پایدار نبود (نمونه: جنبش ملی شدن صنعت نفت و جنبش دموکراسی خواهی مردم در زمان دکتر مصدق).

۳- نقش ناموزون و عقب مانده نیروهای پیشگام (الیت) جامعه ایران

معمولا در جوامع مدرن و پیشرفته جهان احزاب سیاسی نقش رهبری سیاسی ومناسبات اجتماعی را برعهده میگیرند و «شخصیت» های سیاسی در درون احزاب نقش خود را ایفا میکنند. اما در جامعه ایران «افراد» و «شخصیت» ها نقش اصلی و پیشقراول جامعه را ایفا میکنند، چرا؟ به دلایل تاریخی که از آن نام بردیم «طبقات مدرن اجتماعی» نتوانستند روند تکامل تاریخی خود را بطورطبیعی طی کنند وبهمین دلیل هیچیک از طبقات اجتماعی و سازمانهای سیاسی که ظاهرا «مدرنیته» را نمایندگی میکنند، قدرت تعیین کننده سیاسی درجامعه نیستند. از طرف دیگر، استمرار دیکتاتوری در جامعه ایران موانع بزرگی در راه شکل گیری احزاب دموکرات و مدرن اجتماعی ایجاد کرد بطوریکه اکثریت مردم ایران در اثر یوغ دیکتاتوریه «اتمیزه» شدند و از سازمان یافتگی سیاسی و صنفی مطلوب خود محروم هستند. بیشتر احزاب و گروههای سیاسی سنتی ایران برمبنای روابط محفلی، خانوادگی و ایلپاتی شکل گرفته اند و از نظردیدگاه سیاسی نیز التقاطی می اندیشند. باین ترتیب مشاهده میکنیم که اکثر نیروهای پیشگام (الیت) جامعه را افراد و یا محافلی تشکیل میدهند که زائیده شرایط گسیخته و ناموزون اجتماعی ایران هستند.

پیشگامان (الیت) جامعه ایران را بر حسب طرز اندیشه و منش اجتماعی شان به دوبرخ مهم میتوان تقسیم بندی کرد:

الف- رهبران سیاسی - اجتماعی ایران با اندیشه و منش ماقبل سرمایه داری (مثل رهبران عشایر، طوایف و مراجع مذهبی.)

ب- رهبران سیاسی - اجتماعی ترقیخواه و سکولار که در سازمانهای چپ و لیبرال فعالیت میکنند.در اینجا باید یاد آور شد که اکثر روشنفکران و رهبران سیاسی - اجتماعی ترقیخواه و سکولار ایران که برخاسته از مناسبات اجتماعی عقب مانده و پرورش یافته در درون نظام های سیاسی استبدادی هستند، ازشفافیت فکری و سیاسی برخوردار نیستند و دارای کمبودهای فاحشی از نظر فرهنگ «دمکراسی خواهی» و سکولاریستی

هستند. بی جهت نیست که بخش بزرگی از همین روشنفکران و رهبران سیاسی از انقلاب مشروطیت تاکنون قادر نشدند در مبانی «دمکراسی خواهی» استوار و نسبت به آن وفادار باقی بمانند. و بی جهت نیست که اکثریت قریب باتفاق ما فریفته رادیکالیسم خمینی شدیم. و هنوز بخش بزرگی از این «سکولاریست» ها، فرصت طلبانه، دنباله روآوندها و صاحبان قدرت هستند.

مشاهده میکنیم که قریب صد سال از اولین خیزش بورژوازی در ایران میگذرد، اما هنوز ناهنجاری های اقتصادی و اجتماعی و استبداد سیاسی همچنان ادامه دارد و مردم ایران نتوانسته اند از مدرنیته و فرهنگ دمکراسی خواهی برخوردار شوند.

ظاهرا در کشور ما مناسبات سرمایه داری حاکم است، اما قدرت سیاسی در دست یک نیروی ارتجاعی ماقبل سرمایه داری است.

مناسبات عقب مانده و ناموزون اجتماعی موجب شده که حکومتگران، با استفاده از قدرت مطلقه خود، سیاست سرکوب و تخریب را پیشه کنند تا رژیم ضد تاریخی و ضد بشری خود را بمردم ایران تحمیل نمایند. مردم ایران که از تشکل و سازمان یافتگی حزبی و سندیکائی مطلوب خود برخوردار نیستند و مجال گفتگو با دگر اندیشان و حکومتگران برای تحقق مطالبات خود را ندارند، لذا گاهی در برابر صاحبان قدرت تمکین میکنند و گاهی نیز بطور خود جوش در برابر خفقان سیاسی و محرومیت های اجتماعی دست به شورش می زنند.

نتیجه گیری:

موانع رشد دمکراسی و تفاهم ملی در جامعه ایران را میتوان به دوی بخش عمده تقسیم بندی کرد:

الف - عواملی که به ساختار اقتصادی و توان نیروهای اجتماعی - سیاسی مربوط میشود و ریشه در تاریخ تحولات اجتماعی ایران دارند. این موانع و کمبودها موقعی میتوانند بر طرف شوند که در ایران احزاب طبقاتی مدرن و سازمانهای سیاسی نو اندیش و آینده نگر شکل بگیرند تا در آینده یک نیروی دمکرات و متکی بمردم، با شناخت علمی از ریشه های مصائب موجود، با برنامه ریزی دراز مدت و هدفمند، بتواند قدرت سیاسی را در دست بگیرد و در راه شکوفائی اقتصادی و اجتماعی جامعه گام بردارد و طی روندی با نوسازی کشور، عقب ماندگی های اقتصادی و اجتماعی موجود را از میان بردارد و شرایط رشد نیروهای مولد اجتماعی را فراهم سازد و برای حراست از حرمت افراد جامعه و در دفاع از آزادیهای فردی و اجتماعی و پاسداری از مبانی و ارزشهای انسانی و حقوق بشر، حکومتی قدرتمند و دمکراتیک در ایران برقرار سازد.

ب- عوامل روبنایی جامعه که در حوزه های سیاست و فرهنگ تعامل دارند. بعبارت دیگر، اکثر رهبران سیاسی و سازمانهایی که مدعی دمکراسی خواهی در ایران هستند، هنوز به دمکراسی بعنوان یک مقوله تاکتیکی و موقتی نگاه میکنند. بنابراین، ضرورت دارد که به گفتگو های هدفمند درباره ضرورت استقرار دمکراسی و سکولاریسم دامن زده شود. سازمانهای سیاسی که در تنوری دم از «سکولاریسم» می زنند، اما در عمل از «دمکراسی دین سالاری» پشتیبانی میکنند، نیروی واپسگرا محسوب میشوند و از نظر سیاسی قابل اعتماد نیستند. سازمانهای سیاسی که هنوز قادر نشده اند عناصر لمپن را از درون خود طرد کنند، چگونه قادرند در آینده دمکراسی رادر جامعه مستقر سازند و از مبانی حقوق بشر حراست بعمل آورند؟ بنابراین بر ماست که باز و شفاف بیاندهشیم و در اتخاذ مواضع سیاسی و انتخاب راهکارهای مبارزاتی مثل گذشته «التقاطی» نیاندیشیم. ما حق نداریم در انتخاب متحدین سیاسی و بکار گرفتن راهکارهای مبارزاتی، به ابزارهای ضد دمکراتیک متوسل شویم!

خلاصه کلام:

* فقط به کسب قدرت نیاندیشیم، بلکه برای دست یابی به تحولات اقتصادی و اجتماعی، برنامه دراز مدت و چشم انداز سیاسی روشنی داشته باشیم تا بتوانیم در نوسازی جامعه و نهادینه کردن دموکراسی نقش مثبتی ایفا کنیم.

* با نیروهایی که ذاتا واپسگرا و ضد دموکراتیک هستند نباید متحد گشت، وگرنه تاریخ صد ساله گذشته ایران تکرار خواهد شد.

* برای ایجاد نظام دموکراتیک و مردمسالاری در ایران و برای نهادینه کردن فرهنگ دموکراسی در جامعه، ما نیاز داریم که احزاب مدرن طبقاتی در ایران شکل بگیرند تا ضمن تلاش و مبارزه برای تامین منافع طبقاتی خود و ضمن حفظ هویت مستقل سیاسی - طبقاتی خود، قادر به ترویج فرهنگ گفتگو، رقابت دموکراتیک و اتحاد عمل با دگر اندیشان باشند، و زمینه های سیاسی و اجتماعی را برای رسیدن به تفاهم و همبستگی ملی بمنظور نوسازی جامعه فراهم کنند.

* ضرورت دارد که در نظام آینده کشور از نقش «فوق طبقاتی» دولت کاسته شود و بخش خصوصی و تعاونی ها با مشارکت همه جانبه مردم در بخش های تولید و خدمات تقویت شوند تا مشارکت و نظارت مردم در امور کشورگسترش یابد.

* در میان نیروهایی که طالب آزادی و دموکراسی هستند، چند جریان انحرافی و ضد دموکراتیک رخنه کرده اند که موانع بزرگی در راه فرهنگ گفتگو و تفاهم ملی ایجاد میکنند. این جریانهای فکری - سیاسی به حقوق و حرمت سیاسی- انسانی دگراندهایشان احترام نمیگذارند و در تمام سطوح مشغول تخریب هستند که بعلت عملکرد هایشان آنها را «حزب الهی»، «شاه الهی»، «مارکس الهی» و «لمین» های اجتماعی می نامیم. این جریانها گرچه باخصومت علیه همدیگر فعالیت میکنند، اما اهداف تخریبگرانه و ضد دموکراتیک مشترکی را در جامعه دنبال می کنند. سازمانها و محافل سیاسی که علاقمند هستند به فرهنگ خشونت و انتقامجویی خاتمه داده شود و می خواهند ضمن رقابت دموکراتیک در راه تفاهم ملی گام بردارند، ضرورت دارد که قاطعانه این عناصر را از بین خودشان طرد کنند و از این محافل بعنوان ابزار سیاسی برای مقابله با دگر اندیشان استفاده نکنند. عقیده داریم که صاحبان و گردانندگان رسانه های تبلیغاتی نیز در این زمینه مسئولیت بزرگی برعهده دارند. این هموطنان نباید اجازه دهند فرهنگ تخریب و سوظن بوسیله آن محافل در جامعه رواج پیدا کند. با فراهم کردن چنین پیش زمینه هائی، کوشندگان سیاسی دموکرات با گوناگونی اندیشه، قادر خواهند بود باهمدیگر به تفاهم برسند و اعتماد مردم را برای شرکت سازمان یافته در جنبش نوین دموکراسی خواهی ایران، جلب کنند. وگرنه تفرقه در میان سازمانهای سیاسی آزادیخواه همچنان ادامه خواهد داشت و مبارزات خود جوش و پراکنده مردم میهن ما، همچون گذشته، به نتایج مطلوبی نخواهد رسید.

دوستان عزیز، تشکیلات پرومروزی جبهه دموکراتیک ایران بسهم خود از همه کوشندگان سیاسی و ایراندوست و از همه گردانندگان رسانه های تبلیغاتی دعوت میکند تا مشترکا در این مسیر گام برداریم و نقش تاریخی و مسئولیت سیاسی خود را با چشم انداز دموکراتیک و درازمدتی بمرحله اجرا در آوریم.